



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر
دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴

عکس

۱۰

فجرت سبز

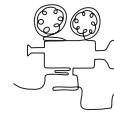


گفت و شنود مدیران با تازه نفس های سینما

پای فیلم خود ایستادن کار سختی است



www.fajrfilmfestival.com



ایران زنده است

تقی آزادارمکی
جامعه‌شناس



سینما به‌خودی‌خود گفتمان نیست؛ اما می‌تواند گفتمان تولید کند یا در عرصه گفتمانی نقش آفرین باشد. به بیان دیگر، سینما یکی از ابزارها، نیروها و فضاهایی است که می‌تواند فضای گفتمانی جامعه را صورت‌بندی کرده و حتی در آن نقشی موفق یا ناموفق ایفا کند.

با این پیش‌فرض، پرسش اصلی این است؛ آیا در ایران اساساً امکان شکل‌گیری گفتمانی وجود دارد که بتوان آن را گفتمان ملی یا گفتمان نجات کشور نامید؟ گفتمانی که مساله اصلی‌اش «ایران» و سرنوشت آن باشد. اگر چنین گفتمانی قابل‌تصور باشد، سینما می‌تواند یکی از بهترین و مؤثرترین ابزارهای شکل‌دهنده آن باشد.

در میان هنرهای معاصر، سینما جایگاهی متقدم دارد؛ پیش از شعر، موسیقی، ادبیات، تاریخ‌نگاری و حتی علوم انسانی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی. دلیل این تقدم، چندوجهی بودن سینماست. از یک‌سو مخاطب آن توده مردمند و از سوی دیگر سازندگان آن شامل کارگردانان، فیلم‌نامه‌نویسان و بازیگران می‌شود. اغلب افراد متفکر هستند. به این ترتیب، اندیشه پس از طی مسیر تأمل، نمایش و روایت، در نهایت به عرصه عمومی می‌رسد و قابلیت مجاب‌سازی پیدا می‌کند.

به همین دلیل، سینما می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارهای ساخت یک گفتمان ملی باشد؛ گفتمانی که در لحظات بحران، ابهام، بلاتکلیفی یا حتی خطر فروپاشی اجتماعی قادر است جامعه را به ساحتی دیگر منتقل کند. برای مثال، سینما می‌تواند با تغییر فرم‌ها، از سینمای صرفاً تاریخی به طنز، موزیکال، انتقادی یا اجتماعی، خاطره‌ای جمعی تولید کند، پیوند اجتماعی بسازد و امید و افق برای آینده خلق کند. این کار از طریق ارجاع به عناصر بنیادینی چون هویت، ملیت، دین، تاریخ، فرهنگ و شخصیت‌های اثرگذار ممکن می‌شود.

سینما در ایران نتوانسته به‌طور مستقیم نماینده یا سازنده یک گفتمان ملی باشد؛ همان‌طور که تلویزیون هم نتوانسته چنین نقشی ایفا کند. در عوض، نوعی فضای پنهان در جامعه شکل گرفته که امروز در قالب مقاومت‌های سیاسی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد؛ فضایی که به نظر می‌رسد بسیار مؤثرتر از عرصه‌های رسمی و آشکار عمل کرده است.

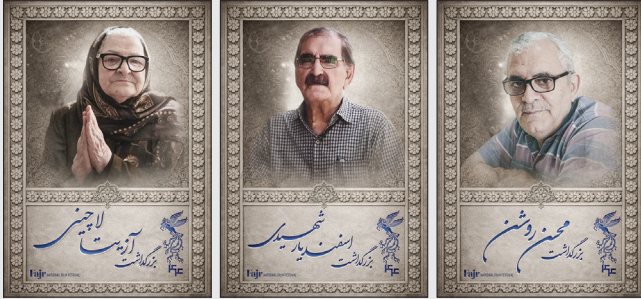
اگر در طول این سال‌ها به نیروهای اجتماعی و فرهنگی اجازه داده می‌شد که فعال، خلاق و کنشگر باشند؛ اگر در میدان حضور داشتند و امکان تصمیم‌گیری پیدا می‌کردند؛ اگر نخبگان این کشور می‌توانستند در حوزه تولید، تهیه‌کنندگی، هنر و فرهنگ نقش واقعی خود را ایفا کنند و بازیگران صرفاً نقش‌های از پیش تعیین شده را بازی نمی‌کردند، امروز جامعه با مصائب اجتماعی و فرهنگی مواجه نبود.

لازم نیست حتماً یک جراحی بزرگ سیاسی یا تغییرات پرهزینه و آشکار صورت بگیرد. گاهی کافی است یک «فرمان پنهان» داده شود؛ اجازه‌ای نانوشته به حوزه‌های هنر، اندیشه، موسیقی، سینما، شعر، ادبیات و تاریخ تا بتوانند روایت‌های زنده و جاندار از ایران ارائه دهند.

این روایت‌ها باید گزارش دهند که این سرزمین، تاریخی است؛ گم نشده، از بین نرفته و از بین هم نخواهد رفت. چنین روایتی می‌تواند نشان دهد ایران همچنان ظرفیت آینده‌سازی دارد. اگر این فضا، حتی به‌طور غیررسمی و پنهان، باز شود، جامعه به تدریج به طراوت می‌رسد، خود را بازیابی می‌کند و اعتماد از دست‌رفته‌اش را ترمیم می‌کند.

در چنین وضعیتی، حتی تغییرات بزرگ سیاسی نیز با خطر شکست، فروپاشی یا نابودی روبه‌رو خواهند شد. زیرا جامعه‌ای که از نظر فرهنگی و تاریخی زنده است، می‌تواند تغییرات سیاسی را تاب بیاورد و آن‌ها را به سرانجام برساند.

سه بزرگداشت در روز دهم جشنواره



در پی برپایی مراسم بزرگداشت «منوچهر محمدی» تهیه‌کننده سینمای ایران، دبیرخانه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر برای سه هنرمند دیگر سینمای ایران (آزیتا لاجینی بازیگر، محسن روشن صداگذار و اسفندیار شهیدی فیلمبردار) را مورد قدردانی قرار می‌دهد.

یک عمر بازیگری

«آزیتا لاجینی» بازیگر و صدای پیشه قدیمی سینمای ایران، کارگویندگی و اجرای نمایشنامه‌های رادیویی را در دهه ۳۰ آغاز کرد و توسط همسر دومش «امیر مظفرالدین لاجینی» به حیطه بازیگری وارد شد. او در دهه ۴۰ بازیگری روی صحنه نمایش و در سینما را آغاز کرد. لاجینی علاوه بر استمرارش در فعالیت رادیویی و دوبله، در بیش از ۱۰۰ فیلم، سریال، تله‌تئاتر و تله‌فیلم ایفای نقش کرده که از شاخص‌ترین‌های آن‌ها می‌توان به «دبیرستان»، «پرنده کوچک خوشبختی»، «دزد عروسک‌ها»، «شیفته»، «اثیری»، «جنایت» و «رگ خواب» اشاره کرد و البته فیلم سینمایی «شیرسنگی» اثر مسعود جعفری جوزانی که پوستر جشنواره ۴۴ بر اساس آن طراحی شده است.

صدای سیمرغ

«محسن روشن» فعالیت سینمایی را از دهه ۵۰ صدا آغاز کرد و با جدی‌تر گرفته شدن صداگذاری و میکس و صداگذاری در سینمای دهه شصت، تخصص و هنر خود را در فضایی مطلوب‌تر ارائه داد. حاصل چهل و چهار سال فعالیت وی علاوه بر فیلم‌های مستند و کوتاه و مستندداستانی، حدود صدوپنجاه فیلم سینمایی و چندین سریال تلویزیونی است. این چهره ماندگار امور فنی سینمای ایران، طی چهار دهه حضور در جشنواره فیلم فجر، سه سیمرغ بلورین بهترین صداگذاری را برای فیلم‌های مهاجر، چشم شیشه‌ای و بر بال فرشتگان و یک دیپلم افتخار را برای فیلم ناصرالدین شاه آکتور سینما به نام خود ثبت کرد. محسن روشن دارای مدرک درجه یک هنری معادل دکتری از شورای عالی فرهنگ و هنر است.

معلم فیلمبرداری

«اسفندیار شهیدی» فیلمبردار و کارگردان سینما و تلویزیون، دانش‌آموخته مهندسی طراحی از دانشگاه علم و صنعت و فیلمبرداری از کالج ملی فیلم لندن است. او فیلمبرداری بیش از سی فیلم و پروژه تلویزیونی را در کارنامه دارد و بسیاری از فیلمبرداران و البته کارگردانان سینمای ایران، مباحث تکنیکی فیلمسازی را از او آموخته‌اند. او همچون یک معلم، خالصانه داشته‌ها و تجربیاتش را به نسل‌های مختلف منتقل کرده است. «پس از باران» از کارهای درخشان استاد شهیدی است که آن را در کنار «او یک فرشته بود» شورانگیزترین کارهای کارنامه‌اش می‌داند. روز دوشنبه ۲۰ بهمن، مراسم بزرگداشت آزیتا لاجینی بازیگر، اسفندیار شهیدی فیلمبردار و کارگردان سینما و محسن روشن، صداگذار و صداگذار طی مراسمی در سالن شماره ۹ پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود. این مراسم بعد از پایان سانس دوم نمایش فیلم در پردیس ملت و قبل از شروع سانس سوم برگزار خواهد شد.



صفحه ۲

روزنامه چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر

بهمن کامیار
با صراحت می‌گویم نیمی از افراد به واسطه حضور منوچهر شاهسوری، امسال شرکت کردند.



مانی مقدم

هومن سیدی را به ناحق به کپی کاری متهم می‌کنند در حالی که سینما در ناخودآگاه فیلمساز شکل می‌گیرد.



مجتبی رشوند

فیلم «آرامبخش» قصد نفی ازدواج را ندارد، اما تلاش می‌کند واقعیت‌های امروز جامعه را نشان دهد.

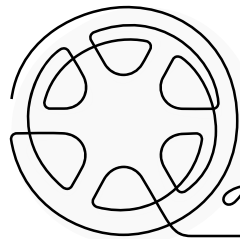
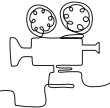


ابراهیم امینی

همدلی در دوران جنگ ۱۲ روزه باعث شد فیلم «سقف» را بسازم. چیزی که الان شبیه یک رویاست.

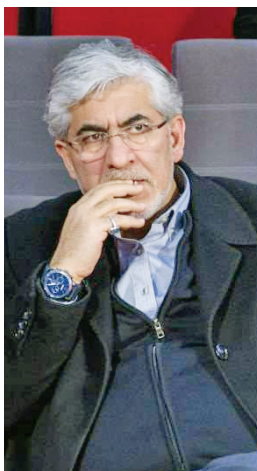


گفت‌وگو



کامنت‌ها

سیمرغ؛ برگ برنده مستندسازها



«محمد حمیدی مقدم» با حضور در پردیس ملت در گفت‌وگویی با روزنامه جشنواره درباره شاخصه‌های اکران آثار مستند در جشنواره صحبت کرد.

اهمیت و کیفیت حضور آثار مستند در جشنواره فیلم فجر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قرار گرفتن فیلم‌های مستند در جشنواره فیلم فجر، صرف نظر از نام و عنوانش، اتفاق مهمی است. جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین رویداد سالانه سینمایی و حتی فرهنگی کشور محسوب می‌شود و همین موضوع به آن جایگاهی ویژه و چندبرابر می‌دهد. طبیعی است که همه فیلمسازان، فعالان حوزه سینما و مدیا علاقه‌مند باشند آثارشان در چنین رویدادی دیده شود. اما اگر بخواهیم نگاهی تحلیلی‌تر داشته

باشیم، باید پرسیم تمرکز اصلی جشنواره فیلم فجر از ابتدا بر چه چیزی بوده است؟ واقعیت این است که این جشنواره، به طور سنتی و در تمام دوره‌های برگزاری‌اش، بیشترین توجه را به سینمای داستانی داشته است؛ حتی در دوره‌هایی که بخش بین الملل با بخش ملی ترکیب شده یا زمانی که بحث جداسازی این دو بخش مطرح بوده، دلیل اصلی‌اش همین تمرکز رسانه‌ها، مخاطبان و فضای خبری بر فیلم‌های داستانی بوده است.

آیا در ادوار مختلف توجه به بخش مستند بهبود پیدا کرده است؟

ساختار این رویداد ناخواسته توجه‌ها را به سمت فیلم‌های داستانی سوق می‌دهد. البته دبیران جشنواره، در دوره‌های مختلف تلاش کرده‌اند شأن بهتری برای مستندها قائل شوند؛ برای مثال آقای شاهسوری در این دوره با نمایش آثار در فضایی تخصصی مثل خانه هنرمندان با ایجاد شرایط ویژه‌تر این اهمیت این موضوع را احیا کرده است. با این حال، همچنان این مساله جای کار دارد و باید این پارادوکس را بررسی کرد.

به هر حال این یک واقعیت است که مستندسازها موفقیت در فجر را مهم می‌دانند... بله، موفقیت در جشنواره فیلم فجر همچنان اهمیت بالایی دارد. فیلمسازی که در این جشنواره موفق به دریافت سیمرغ بلورین می‌شود، یک اعتبار مهم و یک برگ برنده به کارنامه حرفه‌ای خود اضافه می‌کند. به همین دلیل، تقریباً همه فیلمسازان علاقه‌مندند اثرشان در این رویداد ملی دیده شود، روی صحنه جشنواره قرار بگیرد و ضریب اعتبار بیشتری پیدا کنند.

چه آسیبی در این زمینه وجود دارد که باید رفع شود؟

نکته قابل نقد، علاوه بر نکاتی که اشاره شد، میزان توجه رسانه‌هاست. منتقدان، خبرنگاران و رسانه‌ها معمولاً پس از پشت سر گذاشتن جشنواره‌های تخصصی فیلم مستند و فیلم کوتاه، کمتر به این آثار در جشنواره فجر می‌پردازند. در نتیجه، این فیلم‌ها گاهی در میان حجم اخبار، برنامه‌های تلویزیونی و جریان‌های رسانه‌ای به حاشیه می‌روند یا حتی نادیده گرفته می‌شوند. این مساله سال‌هاست که در حوزه مستند وجود دارد. این در حالی است که جشنواره فیلم فجر به عنوان یک «پکیج سالانه» از سینمای ایران، جایگاه مهمی دارد و باید به همه ابعاد آن توجه شود.

فیلمی که می‌توان دید

مهران زارعیان

«حاشیه» با ضربات کوبنده پی‌درپی به مخاطب آغاز می‌شود و وضعیت آدم‌هایش را به درستی معرفی می‌کند. برخلاف عمده فیلم‌های شبه ژانر اجتماعی ایرانی، ملال‌آور و یا فاقد درک از سوژه خود نیست، به مایه‌های معمایی و پلیسی هم جالب پیوند می‌خورد. با این حال در پایان فرایند گرگ‌شایی را به قدر انتظار مخاطب، درخشان انجام نمی‌دهد و کم و بیش شعار هم می‌دهد. فیلمی است که می‌توان آن را دید و دنبال کرد که همین امتیاز است.



یک تجربه تماشایی

محمد عرفان صدیقیان

رسول صدرعاملی جهان فیلمسازی منحصر به فردی دارد؛ جهانی متکی بر ملودرام‌هایی با سویی‌های اجتماعی پررنگ که اغلب به دغدغه‌های زیستی و عاطفی دختران جوان می‌پردازند. مسیری که البته گاه با ساخت آثاری چون سه‌گانه «شب» دچار وقفه و فاصله شده، اما حس و حال و اتمسفر خاص سینمای او همچنان در اغلب آثارش قابل‌ردیابی است. تازه‌ترین ساخته او، «قایق‌سواری در تهران»، فیلمی دلنشین است که گیرایی خود را به طور هم‌زمان از فیلمنامه‌ای حساب‌شده و لحن اجرایی سنجیده به دست می‌آورد. با وجود نقش پررنگ شهرداری تهران در تولید، نمادها و المان‌های شهری به شکلی کنترل شده و در خدمت روایت به کار گرفته شده‌اند. فیلم نشان می‌دهد سینمای تجاری، اگر از فیلتر ذهن یک فیلمساز مؤلف و ساختار روایی منسجم عبور کند، می‌تواند به نتیجه‌ای قابل قبول و متفاوت ختم شود. «قایق‌سواری در تهران» با روایتی ساده اما جذاب، هرچند پایانی نسبتاً قابل پیش‌بینی دارد، اما تا پایان همراهی مخاطب را حفظ می‌کند و تجربه‌ای تماشایی رقم می‌زند.

نشست خبری فیلم «آرامبخش» یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۴، سالن ۱۲ پردیس ملت

دردی که از جامعه می آید



نشست خبری فیلم «خواب» یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۴، سالن ۱۲ پردیس ملت

الهام صد در صد از دیوید لینچ

اجرا: وحید رونقی
حاضران: مانی مقدم کارگردان، امیرحسین حیدری تهیه کننده، از میان گفته‌ها: **مانی مقدم:** هیچ شخصی به جز رضا عطاران نمی‌توانست این نقش را بازی کند. این نقش کاملاً درست درآمد و مطابق با ذهنیت من بود. یعنی آنچه را که می‌خواستیم عطاران به خوبی درآورد. او ۳۵ سال است کار می‌کند، اما حرفه‌ای‌تر از او در سینما وجود ندارد، حتی در یک پلان مداخله نمی‌کرد. **امیرحسین حیدری:** آقای عطاران همیشه یک شرط ثابت دارد و آن فیلمنامه و کار را قبول کرد. فیلمنامه را خواند با هم قرار گذاشتیم و کار را قبول کرد. **مانی مقدم:** فیلم صد در صد تأثیر گرفته از سینمای لینچ است اما ما ناخودآگاهی داریم که یک سری پلان و سکانس در آنجا شکل گرفته پس نمی‌توانیم دیگران را متهم کنیم که کپی کرده‌اند. فیلم طعنه به رادیکالیسم دینی مذهبی نیست. فیلم الگوی خاصی ندارد فیلم‌های زیادی دیده‌ام و از آن‌ها تأثیر گرفته‌ام، قصد اصلی من روایت دوگانگی شرق و غرب بود. **امیرحسین حیدری:** موسیقی فیلم به آهنگسازی حامد ثابت به جشنواره نرسید. در نسخه اکران با موسیقی او فیلم را خواهید دید.



روزنامه چهارچهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر
صفحه ۴



نشست خبری فیلم «سقف» یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۴، سالن ۱۲ پردیس ملت

زبان مشترکی با نسل Z نداریم

اجرا: وحید رونقی
حاضران: ابراهیم امینی کارگردان، سعید خانی تهیه‌کننده و علی محمد حسام‌فر نویسنده، از میان گفته‌ها: **ابراهیم امینی:** در روزهای جنگ ۱۲ روزه این دغدغه را داشتیم که وقایع را ثبت کنم و این فیلم برایم ثبت واقع بود. فکر می‌کردم در بازه زمانی مهمی به سر می‌بریم. پس از جنگ، احساس می‌کردم بعد از سال‌ها یک ملت هستیم و دوست داشتیم آن را ثبت کنم. این ایده از خودمان شکل گرفت بعد وارد پروسه جذب سرمایه شد و سفارش از بیرون نبود. ممکن است به لحاظ شمایل و ژانر دو فیلم من متفاوت باشند. «چشم بادومی» بیشتر مناسب جشنواره‌ها بود و «سقف» به جریان سینمای بدنه نزدیک است. **محمد حسام‌فر:** این فیلم بدنه‌ای است که در بازه این پچ‌ها متوجه شدم این است شاید جسورانه‌تر بود. **ابراهیم امینی:** فکر می‌کنم فاصله‌ای بین ما و پچ‌های دهه ۸۰ می‌کنم و سعی می‌کنم دنیای آن‌ها را بفهمم. آنچه درباره این مشترکی با آن‌ها نداریم. افتاده است. دوست دارم این فاصله را پرکنم. آنچنانچه دربار این مشترکی با آن‌ها نداریم. که کانسپت ذهنی آن‌ها متفاوت است و هیچ زبان مشترکی با آن احساس همدلی کنند. **محمد حسام‌فر:** امیدوارم این فیلم توسط مخاطبان دیده شود و با آن احساس همدلی کنند.





محراب توکلی

فیلمنامه‌های برتر ادوار فجر چه بودند؟ چرا جایزه گرفتند؟

نام فیلم: پرویز خان محصول: ۱۴۰۲

برنده دیپلم افتخار جشنواره چهل و دوم
فیلمنامه نویسنده: علی ثقفی **بازیگران:** سعید پورصمیمی، مریم سعادت، خسرو احمدی، حمید رضا پیگاه، بهنام تشکر **خلاصه داستان:** پرویز ده داری پس از انقلاب، سرمربی تیم ملی می شود و با ستاره های تیم به اختلاف بر می خورد. پس از استعفای ۱۴ بازیکن پس از بازی های آسیایی سئول، او تیم جوان و گمنامی را می سازد که آینده دار هستند. فیلم چالش های اخلاقی، فشارهای اجتماعی و سیاسی دهه ۶۰ را در مسیر پابندی ده داری به اصولش نشان می دهد و با حاشیه های دیدار با ژاپن به پایان می رسد. **ایده اولیه:** چه می شود اگر یک مربی فوتبالی اخلاق مدار و سختگیر در دوران جنگ و پس از انقلاب، با ستاره های تیم ملی اختلاف پیدا کند، آن ها استعفا بدهند و او مجبور شود تیمی جدید بسازد، اما در نهایت فشارهای بیرونی و حاشیه ها او را از جایگاهش کنار بزنند؟ **پیرنگ:** رقابت **پیچش داستانی:** پرویز خان با استعفای بازیکنان خود تسلیم نمی شود و وقتی یک فرد به اصول اخلاقی و انضباط پایبندی ماند، می تواند نسل جدیدی از استعدادها را پرورش دهد، اما اغلب به قیمت قربانی شدن خود و کنار گذاشته شدن از سیستم.

نام فیلم: بچه مردم محصول: ۱۴۰۳

برنده سیمرغ بلورین جشنواره چهل و سوم
فیلمنامه نویسنده: محمود کریمی، فائزه یارمحمدی **بازیگران:** مهرداد صفری، گوهر خیراندیش، رضا کیانیان، حسن معجونی، بهروز شعیبی، سیامک صفری، بدون حمایت رسمی وارد جامعه می شوند و برای استقلال، کار، اجباری در ۱۸ سالگی، بدون حمایت رسمی وارد جامعه می شوند و برای استقلال، کار، خانه و هویت خود مبارزه می کنند. فیلم با لحنی فانتری و انسانی نشان می دهد چگونه یک تصمیم اشتباه یا برخورد نامناسب می تواند آن ها را به سمت مسیرهای ناخواسته ببرد، در حالی که دوستی و تلاش برای خودکفایی محور اصلی داستان است. **ایده اولیه:** چه می شود اگر پسر پرورشگاهی با تلاش های فراوان به جست و جوی هویت واقعی اش - مادرش - برود؟ **پیرنگ:** ماجراجویی، بلوغ **پیچش داستانی:** تصمیم گروهی از نوجوانان برای دزدیدن پرونده های خود از اتاق مدیریت پرورشگاه برای رسیدن به هویت واقعی خود. **ایده ناظر:** وقتی افراد محروم از ریشه و حمایت خانوادگی، با وجود تنهایی و فشارهای بیرونی، دوستی، مسئولیت پذیری و تلاش برای استقلال را انتخاب می کنند، ارزش انسانی می تواند بر چرخه فقر، سودجویی و گم گشتگی پیروز شود.



صفحه ۵
روزنامه جهان چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر



نام فیلم: عروس آتش محصول: ۱۳۷۸

برنده سیمرغ بلورین جشنواره بیست و هشتم
فیلمنامه نویسنده: خسرو سینایی، حمید فرخ نژاد **بازیگران:** مهدی احمدی، سعید پورصمیمی، غزل صارمی، حمید فرخ نژاد **خلاصه داستان:** احلام، دانشجوی سال آخر رشته پزشکی برخلاف قوانین عشیره اش که او را ملزم به ازدواج با پسرعمو می کند، عاشق استادش دکتر پرویز می شود و تصمیم به ازدواج با او می گیرد. این انتخاب سنت شکنانه باعث فشار شدید قبیله، تهدیدها و در نهایت تازدی خودسوزی احلام می شود و فیلم به نقد ازدواج اجباری و تعصبات عشیره ای می پردازد. **ایده اولیه:** چه می شود اگر دختری تحصیل کرده و مدرن از یک عشیره سنتی جنوب ایران، در آستانه فارغ التحصیلی در رشته پزشکی، عشق شهری را بر سنت ازدواج اجباری با خویشاوند قبیله ای ترجیح دهد و این انتخاب، او را در برابر فشارهای خانوادگی، قبیله ای و فرهنگی به مرز نابودی بکشاند؟ **پیرنگ:** رقابت، افراط فلاکت بار **پیچش داستانی:** احلام و پرویز تلاش می کنند فرار کنند یا ازدواج شان را عملی سازند، اما عشیره با حمله و تهدید مستقیم وارد می شود. مدرن برخورد می کند، بدون حمایت اجتماعی و قبیله ای با آزادی فردی و عشق مدرن در برابر نیروی جمعی و سنتی شکست قانونی، فرد قربانی می شود و ارزش انسانی در برابر نیروی جمعی و سنتی شکست می خورد.

نام فیلم: قاعده تصادف محصول: ۱۳۹۱

برنده سیمرغ بلورین جشنواره سی و یکم
فیلمنامه نویسنده: بهنام بهزادی **بازیگران:** امیر جعفری، امید روحانی، محمد رضا غفاری، اشکان خطیبی، سروش صحت، مهرداد صدیقیان **خلاصه داستان:** گروهی تئاتری متشکل از چند پسر و دختر، آخرین تمرینات خود را انجام می دهند تا برای اجرا آماده باشند. اجباری که قرار است خارج از کشور انجام شود. اما وقتی پدر یکی از اعضای گروه به نام شهرزاد، به هر شکل نمی خواهد اجازه بدهد دخترش همراه گروه به خارج برود، همه برنامه ها بهم می ریزد. **ایده اولیه:** چه می شود اگر یک گروه نوجوان تئاتری با هنجارهای نسل های قبل از خود مواجه شوند؟ **پیرنگ:** تعقیب و گریز **پیچش داستانی:** پدر یکی از اعضای گروه مخالفت شدیدی با سفر فرزندش دارد. **ایده ناظر:** وقتی جوانان در مواجهه با شکاف نسلی و فشارهای سنتی، دوستی، تعهد گروهی و استقلال را انتخاب می کنند، ارزش انسانی (درک متقابل و رشد فردی) می تواند بر بی قاعدگی و جدایی پیروز شود.



کارگردان: احمد مرادیپور، **تهیه‌کننده:** بهروز مفید، **بازیگران:** امیر آقایی، حسین مهری، حسین محبوب، پرویز فلاحی‌پور، پانتها پناهی‌ها، خاطره اسدی، امیر غفارمنش، تیما تقی‌زاده و امیرحسین صدیق، **نویسندگان:** عباس نعمتی و سما بابایی، **مدیر فیلمبرداری:** مرتضی غفوری، **تدوین:** موحّد شادرو، **طراح صحنه:** محمدرضا شجاعی، **طراح لباس:** نسرين پورجوادخواه، **جلوه‌های ویژه:** امیر ولی‌خانی، **صداپرداز:** احسان نوبخت، **چهره‌پرداز:** سیامک احمدی، **طراح و ترکیب صدا:** امین شریفی، **موسیقی متن:** مسعود سخاوت‌دوست، **خلاصه داستان:** مامور اداره مالیات که یکی از همکاران خود را در جریان یک فساد اقتصادی از دست داده است، تصمیم می‌گیرد شبکه مهمی از پولشویی را کشف و عوامل آن را تحویل قانون دهد.



اردو بهشت

مسابقه / فیلم اول

تهیه‌کننده: کاظم دانشی، **محمد احمدی، کارگردان:** محمد داودی، **بازیگران:** حامد بهداد، شهرام حقیقت‌دوست، ستاره پسیانی، تورج الوند، یاهنرمندی اصغر همت و علیرضا خمسه و با معرفی راحیل زارعیان، نویسندگان: محمد داودی، کاظم دانشی، **مدیر فیلمبرداری:** وحید ابراهیمی، **طراح صحنه:** سعید حسناو، **طراح لباس:** زهرا صمدی، **مجری طرح:** مهنا سنگ سفیدی، **صداپرداز:** رشید دانشمند، **طراح چهره پردازی:** محمود دهقانی، **تدوین:** پگاه احمدی، **طراح جلوه‌های ویژه بصری:** نهمینه اذکاری، **صداگذار:** علیرضا علویان، **مدیر تبلیغات:** صدف رضایپور

خلاصه داستان: شاه‌مهدی می‌خواهد به حق‌طلبی از خون دخترش علیه شهرداری تهران شکایت کند.

تهیه‌کننده: علیرضا سبط‌احمدی، **کارگردان:** مرتضی رحیمی، **بازیگران:** فریا کوثری، علیرام توایی، مالک حدیپور سراج، آوا داروبت، اسرافیل علمداری، سلیمه زکزن و... هنرمندان جوان امیررضا فرامرز، **نویسندگان:** فیلمنامه، مهدی سجادی و مرتضی رحیمی، **ناظر کیفی:** حبیب‌الله بهمنی، **مدیر فیلمبرداری:** مه‌چنگل سفیدی، **آهنگساز:** ستار اوکی، **مدیران صدا:** اردی، **حمیدرضا اسلامی:** نژاد، **روح‌الله جعفریپور:** گلو، **طراح گریم:** رسول نعمتی، **صداگذار:** امیرحسین صادقی، **تدوینگر:** امیرشهبان خاقانی، **جلوه‌های ویژه‌میدانی:** عظیم محمدی، **جلوه‌های ویژه بصری:** عادل مدنی، **طراح صحنه:** بهنام جعفری طادی، **طراح لباس:** اشرف شاه‌حسینی، **عکاس و تصویربرداری:** صحنه: لیلا دیب و مشاور رسانه‌ای: هادی اعتمادی مجد، **خلاصه داستان:** ظفر پسر چه ۱۲ ساله، اصالتاً بختیاری و از عشایر لرگان است. خدابخش، پدر ظفر و برادرش خداحرم به همراه دیگر مردان ایل، به جبهه رفته‌اند و چند ماهی است از خداحرم خبری نیست...



فیلم سختی که دیر کلید خورد

من به جرأت می‌توانم بگویم که حدود ۸۰ درصد کارهایی که تاکنون تهیه کرده‌ام، که بیش از ۲۰ کار هستند، با کارگردانان اول بوده است. ریسک همکاری با کارگردانان اول را بسیار دوست دارم. وقتی با آنها صحبت می‌کنی می‌توانی توانایی‌شان را بفهمی اما نامشخص بودن نتیجه نهایی کار و سطحی که اثر در نهایت به آن می‌رسد، برایم جذاب است.

❖ حضور کاظم دانشی هم در نتیجه نهایی تأثیر داشت؟

قطعاً آقای دانشی هم به واسطه فیلمنامه فضا را بهتر از هر کس دیگری می‌شناخت بنابراین حضورش بابت اجرای مطلوب این فیلم بی‌تأثیر نبود.

❖ ریسک دیگری که برای تهیه‌کنندگان وجود دارد، بحث اکران فیلم است؛ اینکه فیلم‌های غیرکمدی ممکن است فروش نزنند. بعد از فیلم «پیرپسر» کمی این جریان تغییر کرد. به نظر شما فیلمی مثل «پیرپسر» چقدر در این موضوع تأثیر داشت؟ شما از آن اتفاق تأثیر گرفتید یا صرفاً دغدغه خود را در کار داشتید؟

واقعیت این است که اصلاً به این مسائل فکر نمی‌کردیم. من اعتقاد دارم که اگر فیلمنامه جذاب، خوب و اجرای درستی داشته باشد، کار خود را می‌کند. البته این موضوع به سیاست‌های سازمان سینمایی هم برمی‌گردد...

❖ چطور؟

دوره قبل سیاست بر این بود که به فیلم‌های کمدی بیشتر پر و بال داده می‌شد. کمدی‌ها هم به نظر من کمدی‌های درستی نبودند اما انرژی را بر این گذاشته بودند که رکوردشکنی شود و فروش برود و بازار سینما گرم باشد. سینما فقط ژانر کمدی نیست و باید به بقیه‌ی ژانرها نیز پرداخته شود تا تماشاچی‌های بیشتری را به سالن بکشاند؛ چون هر فیلمی تماشاچی خاص خود را دارد. هر کسی براساس سلیقه‌اش فیلم انتخاب می‌کند. اینکه همه انرژی‌مان را بر فیلم‌های کمدی بگذاریم، به یک جایی می‌رسد که دیگر تماشاچی هم فیلم‌های کمدی را هم پس می‌زند. البته این موضوع به مسائل زیادی بستگی دارد؛ شرایط اجتماعی، اقتصادی و دل و دماغ افراد. تمام این مسائل بر اکران اثر و جذب شدن افراد به سینما اثر دارند...

❖ باین وصف، تولید «اردو بهشت» نشان می‌دهد دغدغه شما ساخت فیلم اجتماعی است... بله، فیلم اجتماعی به خاطر پیام و اهدافی که دارد، برای من جذاب‌تر است. الان هم قطعاً سیاست‌های دولت و شورای پروانه ساخت بر این اساس بوده که به مابقی ژانرها بیشتر بها بدهند و وقتی که توجه بیشتری شود، فیلم‌های بهتری ساخته خواهند شد.

محمد احمدی؛ تهیه‌کننده، فیلمساز، مدیر فیلمبرداری و محراب توکلی عکاس مجرب و گزیده‌کار سینمای ایران است که آثاری چون «شاعر زیاله‌ها» را به عنوان کارگردان و «رقص پا»، «اسکی باز»، «جنجال در عروسی»، «آزمایشگاه» و... را به عنوان تهیه‌کننده در کارنامه دارد. او در آخرین کار فیلم سینمایی خود، «اردو بهشت» نخستین ساخته بلند سینمایی محمد داودی (فیلمنامه نویس برنده سیمرغ) را توسط موسسه تصویر شهر تهیه کرده است. صحبت‌های احمدی درباره این فیلم و چالش‌های آن را بخوانید.

❖ آقای احمدی از روند تولید این فیلم بگویید؛ از شروع کار با آقای داودی و پیش رفتن در مسیر پیش تولید، تولید و رساندن فیلم به جشنواره فیلم فجر.

وقتی تهیه‌کنندگی این فیلم به من پیشنهاد شد، فیلمنامه را خواندم و بسیار خوب بود. این فیلمنامه از یک اتفاق واقعی الهام گرفته بود و من از آن بسیار خوشم آمد. سابقه آقای داودی در فیلمنامه‌نویسی بسیار پررنگ، جالفتاده و حرفه‌ای است. با مطرح شدن این موضوع، برای تهیه پروانه ساخت اقدام و فیلمبرداری را آغاز کردیم. فیلمبرداری این فیلم حدود ۶۵ جلسه طول کشید.

❖ آن طور که می‌دانیم داستان و فضای فیلم ملتهب است و بر اساس یک ماجرای واقعی... بله، داستان فیلم از یک اتفاق واقعی الهام گرفته است؛ حادثه غرق شدن شش دختر در دریاچه پارک شهر که سال‌ها پیش اتفاق افتاده بود اما داستان توسط نویسنده شاخ و برگ داده شده است. این فیلم، یک فیلم اجتماعی است که حرف خاص خود را دارد. البته لوکیشن‌های زیادی داشت و فیلم پر بازیکو و سختی بود اما محمد داودی به خوبی از عهده آن برآمد و فیلم قابل قبولی است.

❖ چه چالش‌هایی در روند پیش تولید و تولید و همین‌طور رساندن فیلم به جشنواره داشتید؟ بزرگ‌ترین چالش ما به خاطر شرایطی که داشتیم، این بود فیلم را کمی دیر کلید زدیم. همان‌طور که گفتم، فیلم پرلوکیشن و پر بازیکو بود و اجرای بسیار سختی داشت. برای رساندن فیلم به جشنواره تمام عوامل فیلم تلاش بسیار زیادی کردند. تقریباً تا هفتم بهمن فیلمبرداری می‌کردیم و تمام کارها از جمله تدوین و صداگذاری تقریباً همزمان پیش می‌رفت. همه عوامل بسیار زحمت کشیدند تا بتوانیم فیلم را به جشنواره برسانیم.

❖ همان‌طور که گفتید آقای داودی تجربه خوبی در فیلمنامه‌نویسی دارد، اما اینجا به عنوان کارگردان پشت دوربین می‌ایستد، هر چند برای شما کار با فیلم‌اولی‌ها سخت نیست...



پیچیدگی پولشویی

بهروز مفید
تهیه کننده



وقتی درباره فساد اقتصادی صحبت می‌کنیم، مصادیقی مثل اختلاس، رانت یا پولشویی مدنظر است. در واقع پولشویی یکی از مصادیق اصلی ایجاد فساد اقتصادی است که در یک شبکه مشخص و با عبور پول از چند نقطه به نقطه دیگر رخ می‌دهد. این فرآیند نیاز به روابط پیچیده و الگوریتم‌های خاص دارد تا پول از مسیر مشخصی عبور کند و در نهایت وارد سیستم شود. در فیلم ما تمرکز بر بخش میانی جامعه است؛ به این معنا که فساد لزوماً به مسئولان بالا یا جایگاه‌های خاص محدود نمی‌شود و می‌تواند در بخش‌های دیگر جامعه نیز جریان داشته باشد. فیلم دارای لایه‌ای از معضلات اجتماعی و جنبه پلیسی است. برای مخاطب، مهم‌ترین ویژگی، آشنایی با ناهنجاری‌هایی است که در جامعه وجود دارد و شناخت عمیق‌تر نسبت به مسائل اقتصادی پیچیده مانند پولشویی. تلاش کردیم این موضوعات را به شکلی قابل فهم و جذاب ارائه کنیم تا هم سرگرمی و هم آگاهی را با هم داشته باشد. هرچند تجربه من در سینمای کودک بیشتر بوده، ولی «کارواش» اولین تجربه اجتماعی جدی من است و دغدغه‌های اجتماعی را دنبال می‌کند. ابتدا قرار بود آقای سروش محمدزاده کار را انجام دهند، اما به دلیل مسائل

شخصی نتوانستند حضور داشته باشند. پیشنهاد همکاری با آقای مرادپور از طرف فارابی مطرح و به دلیل سابقه ایشان، همکاری آغاز شد. با توجه به فشردگی زمان تولید، تقریباً ۵۰ روز پروژه به سرانجام رسید که تجربه‌ای فشرده اما ارزشمند بود. بخش عمده‌ای از اطلاعات از کارشناسان واحد پولشویی اداره کل مالیاتی و وزارت اقتصاد بود. پولشویی ذاتاً موضوعی تخصصی است و تفاوت‌هایی با اختلاس یا رانت دارد. تلاش شد تا این پیچیدگی‌ها برای مخاطب قابل فهم باشد، بدون اینکه جزئیات فنی یا حقوقی پیچیده، گیج‌کننده شود. آگاهی بخشی باعث هوشیاری جامعه می‌شود و می‌تواند نوعی پادزهر در برابر فساد ایجاد کند. در کشور ما که بیشتر بصری و شفاهی است تا مکتوب، رسانه‌ها، سینما و تلویزیون نقش پررنگی دارند. سینما می‌تواند مسائل اقتصادی پیچیده را برای مخاطب ملموس و قابل فهم کند، بدون اینکه صرفاً جنبه سرگرمی خود را از دست بدهد. هدف اصلی ما ترکیب سرگرمی و آگاهی بود. مخاطب باید از دیدن فیلم لذت ببرد و در عین حال با بخشی از واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه آشنا شود. اگر بتوانیم این دو هدف را همزمان محقق کنیم، گام مهمی در سینمای اجتماعی برداشته‌ایم.

صفحه ۸
روایتی از جهان
جشنواره ملی فیلم فجر



گفت‌وگو با احمد مرادپور، کارگردان فیلم «کارواش»

همه می‌دانند

فیلم تلاش می‌کند نشان دهد فساد اقتصادی، که حاصل سازوکاری معیوب است، چگونه در لایه‌های پنهان و روزمره جامعه جریان می‌یابد و چه تأثیر مستقیمی بر زندگی مردم دارد.

❖ پرداختن به موضوع پولشویی چندان

کار راحتی نیست، چه شد برای کار روی این سوژه مجاب شدید؟

وقتی با فیلمنامه مواجه شدم، استقبال کردم، چون می‌دیدم فساد اقتصادی و رانت، به یک امر عادی بدل شده، بنابراین پرداختن به این موضوع برایم اهمیت پیدا کرد، اگرچه دلم می‌خواست در شرایط مطلوب‌تری این اتفاق می‌افتاد.

❖ نقب زدن به این ماجرا و به قول شما عادی شدن «وجود فساد اقتصادی» و گذشتن از کنار آن، با چه ایده‌ای می‌تواند مخاطبان «کارواش» را تحت تأثیر قرار دهد؟

طبیعتاً با ایجاد پرسش می‌توان با مخاطب ارتباط برقرار کرد. شرایط فساد اقتصادی و رانت به گونه‌ای است که انگار همه می‌دانند هست، اما کمتر درباره‌اش حرف می‌زنند. با این فیلم می‌خواستیم درباره این «چرخه تکراری» ایجاد پرسش کنیم. درباره شفافیت، نظارت و این‌که هزینه بی‌توجهی به فساد را چه کسانی می‌پردازند. با طرح پرسش می‌توان این موضوع را در قالب فیلم سینمایی قابل تماشا کرد.

احمد مرادپور، کارگردان مجرب سینما و تلویزیون گرچه طی دهه فعالیت پرکار نبوده اما غالباً هر گاه پشت دوربین قرار گرفته است، تلاش کرده امضای خود را پای اثر داشته باشد. این فیلمساز را سینمادوستان با فیلم «سجاده آتش»

به یاد می‌آورند. فیلمی که در مقطع تولید خود، شکل و شمایلی متفاوت از آثار جنگی دهه هفتاد داشت. کارگردان «رنجر»، «سریال پربیننده «رقص پرواز» و فیلم «کارو»، امسال با فیلم متفاوت «کارواش» که با توجه به موضوع اثر، عنوان جالبی است، در جشنواره حضور دارد.

❖ فیلم سینمایی «کارواش» می‌تواند یکی از پرمخاطب‌های فجر امسال باشد. دلیل آن هم معضلات اقتصادی است که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. آیا حلقه اتصال این ارتباط در فیلم وجود دارد؟

فیلم سینمایی «کارواش» تلاشی است برای گفت‌وگو با مخاطبی که به دنبال فهم ریشه‌هاست و البته مخاطبی که مایل است ریشه بحران‌های اجتماعی و اقتصادی امروز را درک کند.

❖ فیلم به چه نگاهی به این موضوع می‌پردازد؟

گفت وگو با علیرضا سبط احمدی، تهیه‌کننده فیلم «آن‌دو»

قصه فداکاری عشایر در جنگ

مهسا بهادری

علیرضا سبط احمدی پس از تهیه ده‌ها فیلم و سریال، امسال با یک فیلم‌اولی به نام «آن‌دو» ساخته مرتضی رحیمی در فجر ۴۴ حضور دارد. فیلمی که از مضمون دفاع مقدس بهره می‌برد.

«آیا «آن‌دو» یک فیلم بیوگرافی است؟

بله، «آن‌دو» یک فیلم بیوگرافی از زندگی ظفر خالیدی و برادرش است. البته امسال چند فیلم بیوگرافی دیگر هم داشتیم، اما واقعیت این است که در سینمای ما همچنان جای فیلم‌های بیوگرافی خالی است.

«دلیل آن چیست؟

مشکل اساسی سینمای ما نداشتن قهرمان نیست، بلکه نپرداختن به قهرمان‌هاست. ما فقط درباره پنج، شش فرمانده شناخته‌شده دفاع مقدس بارها فیلم ساخته‌ایم، در حالی که قهرمانان گمنام بسیار زیادی داریم؛ آدم‌هایی که جان‌شان را گذاشتند و باعث شدند این کشور سرپا بماند. این قهرمان‌ها دیده نشده‌اند و سینما وظیفه دارد به آن‌ها بپردازد.

«در روایت فیلم، نگاه به جنگ چگونه است؟

ما جنگ را از زاویه‌ای انسانی روایت می‌کنیم. وقتی از نگاه ظفر خالیدی داستان را دنبال می‌کنیم، می‌بینیم در هر جنگی، آسیب‌پذیرترین افراد جامعه کودکان و زنان هستند. در مسیر قصه، او با کودکانی روبه‌رو می‌شود که برای نجات جان‌شان تلاش می‌شود، با زنانی که برای فرزندان‌شان ضجه می‌زنند و آسیب می‌بینند.

«فیلم «آن‌دو» مستقیماً به جنگ می‌پردازد یا بیشتر یک درام اجتماعی در بستر جنگ است؟

فیلم هم به جنگ می‌پردازد و هم به زندگی اجتماعی عشایر. ما زندگی عشایرنشینان را به تصویر کشیده‌ایم؛ جوان‌هایی که بر اساس حس تکلیف، خود را موظف می‌دانند برای دفاع از میهن راهی جبهه شوند. این دو برادر برای نجات کودکانی که در حمله دشمن در روستاهای اطراف آبادان جا مانده‌اند، وارد جنگ می‌شوند، جان‌شان را به خطر می‌اندازند و آن بچه‌ها را از دست نیروهای بعثی نجات می‌دهند. در واقع قصه فیلم

ترکیبی از جنگ و زیست اجتماعی عشایر است.

در این فیلم تلاش کردیم تصویر دقیقی از زندگی عشایر بختیاری و مردم لردگان ارائه دهیم؛ از نوع پوشش و لهجه گرفته تا سبک زندگی. این تصویر هم حاصل تحقیق بوده و هم مبتنی بر تجربه زیسته و شناخت نزدیک از این فرهنگ. برای ما مهم بود که این زیست بومی واقعی، محترمانه و باورپذیر به تصویر کشیده شود. «در فیلم چقدر به جزئیات زیست عشایری مثل پوشش، نوع زندگی و فضا فادار بوده‌اید؟

ما در این زمینه کاملاً آگاهانه و با وسواس جلو رفتیم. برای طراحی لباس، فضا سازی و جزئیات زندگی عشایری از مشاوران مختلف و افراد آشنا به این فرهنگ استفاده کردیم. هدف‌مان این بود که زندگی عشایر لردگان به درستی و بدون اغراق یا کلیشه به تصویر کشیده شود.

بچه‌های عشایر و مردم لردگان در کنار ما بودند. نصب سیاه‌چادرها، احیای فضای چادرنشینی و شکل دادن به حال و هوای زندگی عشایری با کمک مستقیم آن‌ها انجام شد. این مشارکت باعث شد فضا کاملاً باورپذیر و واقعی از کار دربیاید.

همه چیز بر اساس تحقیق، مستندات و شناخت واقعی از زندگی عشایر شکل گرفته است. هرچند دکور و فضای فیلم متعلق به خود پروژه بود، اما تلاش کردیم هیچ چیز تصنعی یا غیرواقعی به نظر نرسد و مخاطب با یک فضای اصیل عشایری روبه‌رو شود.

«آن‌دو» چه آورده‌ای برای مخاطب جست‌وجوگر امروز دارد؟

به نظر من مهم‌ترین آورده فیلم برای نسل امروز، معرفی آدم‌هایی است که جانشان را گذاشتند تا ما امروز در آرامش زندگی کنیم. «آن‌دو» درباره دو برادر به نام‌های ظفر خالیدی و برادرش است که هر دو از گمنام‌ترین شهدای دفاع مقدس هستند. ظفر خالیدی وقتی به جنگ رفت در سن ۱۱ سال و ۶ ماهگی قدش اندازه «ژ ۳» بود. یکی از آن‌ها خردسال‌ترین شهید جنگ تحمیلی محسوب می‌شود؛ موضوعی که بسیاری حتی از آن خبر ندارند. این دو برادر در آغوش هم جنگیدند، در آغوش هم شهید شدند، وقتی تفحص شدند در آغوش هم بودند و در نهایت پیکرشان در آغوش هم به میهن بازگشتند. این قصه، فارغ از هر نگاه سیاسی، جناحی یا حزبی، درباره خالص بودن انسان‌هایی است که همه چیزشان را فدا کردند.

صفحه ۹

روزنامه جهان و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر



فیلم‌اولی‌هایی که ورق را برگرداندند!

اکوسیستم زنده جشنواره

نگار تقی‌پور

تاریخ جشنواره فیلم فجر روایتی است پیوسته از تولد، رشد و تعالی سینمای ایران. داستان این جشنواره را نه با آمار و ارقام بلکه می‌توان با مرور مسیر هنرمندانی روایت کرد که از آغوش آن به سینمای ملی و جهانی پیوستند. از نسل نخست که بخشی از شکل‌دهی به هویت تازه سینما بودند تا نسل‌های میانی و جوان امروز که هریک با تکیه بر اعتبار فجر، مرزهای تازه‌ای را گشودند. موفقیت در فجر، اغلب اولین معیار برنامه‌ریزان جشنواره‌های بین‌المللی برای انتخاب فیلم‌های ایرانی است. بررسی مسیر این کارگردانان و ده‌ها نام دیگر در فهرست بلندبالای فجر، نشان می‌دهد این جشنواره در طول زمان به یک «اکوسیستم زنده» برای سینمای ایران تبدیل شده است.

البته باید توجه داشت که این پیوند، رابطه‌ای یک‌سویه نیست. موفقیت این کارگردانان در عرصه‌های ملی و جهانی، به نوبه خود بر اعتبار، حساسیت هنری و جایگاه فجر به عنوان «کاشف و پرورش‌دهنده استعداد» افزوده است. بنابراین، جشنواره فجر را می‌توان تاریخ تحول سینمای ایران دانست؛ تاریخی که در آن، جشنواره و سینماگران در دیالوگی پیوسته، یکدیگر را به پیش رانده‌اند.

چراغ اول، سیمرغ اول

کشف فیلمسازان مستعد سینمایی، در ارزیابی داوران، منتقدان و مخاطبان یکی از رموزهای جشنواره فیلم فجر است که نمونه‌های مختلفی را می‌توان برایش مثال آورد. «یدالله صمدی» با «مردی که زیاد می‌دانست» و «کیانوش عیاری» با «تنوره دیو» راه خود را با کسب جایزه از فجر در فیلم‌های اول شروع کردند. عیاری در دهه ۶۰، دو جایزه بهترین کارگردانی فجر را برای «تنوره دیو» و «آن سوی آتش» در سال‌هایی که فیلمسازان قدیمی‌تر در سینما و فجر فعال بودند، به دست آورد. «ابراهیم حاتمی‌کیا» هم چنین شروعی داشت. «دیده‌بان» نخستین فیلم بلند سینمایی او نامش را در بین برگزیدگان قرار داد و او سال‌ها موفقیت‌های بیشماری را به دست آورد.

«تهمینه میلانی» با نخستین فیلمش «بچه‌های طلاق» در جشنواره هشتم برنده جایزه بخش فیلم‌های اول و دوم شد و «بهروز افخمی» گرچه در سال ۶۷ با یک نسخه سینمایی از سریال موفق «کوچک جنگلی» در فجر هفتم حاضر بود اما شروع جدی‌اش با «عروس» در سال ۶۹ بود. فیلمی که در سال سخت رقابت با «پرده آخر»، توانست چندین جایزه بگیرد و خود او هم یک دیپلم بهترین کارگردانی را از آن خود کند. افخمی در ادامه کارنامه فیلمسازی‌اش بارها در فجر به موفقیت رسید. نکته جالب توجه دیگر درباره سال ۶۹، رقابت چند فیلم‌اولی سر سیمرغ‌های جشنواره بود به گونه‌ای که «واروژ کریم‌مسیحی» با فیلم اول خود «پرده آخر» بخش عمده‌ای از سیمرغ‌ها را به دست آورد.

«مجید مجیدی» که دهه ۶۰ را به بازیگری و ساخت فیلم‌های مستند و کوتاه گذراند، با نخستین فیلمش «بدوک» کافی بود تا جای خود را به عنوان فیلمساز محکم کند. مسیری که بعد با «پدر» تکمیل شد و با «بچه‌های آسمان» به اوج رسید و نام او را در بین نامزدهای اسکار قرار داد.

«سیدرضا میرکریمی» در سال ۷۹ با اولین فیلمش «کودک و سرباز» آمد و با کسب جایزه فجر دورنمای موفقیتش در دهه‌های بعدی ترسیم شد، یا «اصغر فرهادی» که پس از تجارب تلویزیونی و فیلمنامه‌نویسی‌اش در بخش بین‌الملل دوره بیست و یکم فیلم فجر دیده شد و بعد با آثار بعدی خود یکی پس از دیگری جوایز را فتح کرد و در ادامه دو اسکار را در دستان ایرانی‌ها قرار داد.





گفت و شنود مدیران با تازه نفس های سینما

پای فیلم خود ایستادن کار سختی است



رویکشنبه ۱۹ بهمن و در نهمین روز برپایی جشنواره، نشست صمیمی رائد فریدزاده رئیس سازمان سینمایی، منوچهر شاهسوار مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی با هنرمندان فیلم اولی و دومی های حاضر در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در موزه سینما برگزار شد.

منوچهر شاهسوار در این نشست بیان کرد: عزیزی که در این جلسه حضور دارند، عموماً سابقه جدی در فیلم کوتاه و یا حوزه های دیگر داشته اند که امسال با حضور خود نسل جدیدی را به سینمای ایران معرفی کردند. نکته قابل توجه این است که تیم های آن ها اعم از تدوینگر و فیلمساز و... نیز همه جوان و کاراولی هستند. دوست دارم این را هم بگویم که زندگی گاهی تلخی های خود را دارد و امیدوارم همه شما سال های آینده با کارهای بهتر برای سینمای ایران هنرنمایی کنید.

در ادامه رائد فریدزاده رئیس سازمان سینمایی بیان کرد: ابتدا در نظر داشتم شاید بتوان بخش نگاه نو را مستقل داشته باشیم اما بعد از صحبت با آقای شاهسوار قانع شدم در این صورت هنرمندان قابل و شایسته این گروه ها دیده نمی شوند و در نهایت تصمیم به حضور فیلم های بیشتر شد. می دانم که پای فیلم خود ایستادن آن هم در چنین شرایطی کار آسانی نبوده و امیدوارم زمینه های فراهم شود که دوستان مستعد بتوانند زمینه فعالیت برایشان فراهم تر باشد.

حامد جعفری، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی نیز بیان کرد: قرار است برای دوستان فیلم اولی که در جشنواره حضور داشتند، امتیاز ویژه ای قائل شویم و در پیچینگی که قرار است در بنیاد برگزار کنیم این دوستان در لاین ویژه شرکت کنند.

وی ادامه داد: حیات سینما به فیلمسازان جدید نیاز دارد و بنیاد نیز رویکرد حمایتی و همکاری با فیلمسازان را در پیش گرفته است.

در ادامه جلسه هنرمندان حاضر در جلسه اعم از تهیه کننده و کارگردان و نویسندگان به بیان نظرات خود پرداختند.

گزیده نظرات فیلمسازان به شرح زیر است:

● **مجتبی رشوند:** استعداد های خوبی وجود دارد اما آنقدر این طرف و آن طرف رفته اند، خسته شده اند. بیفتد.

● **امیرحسین حیدری:** از پس تولید بر می آیم اما در

سال ۸۵ برای «بهرام توکلی» پس از ساخت فیلم های کوتاه و نیمه بلند و فعالیت در عرصه طراحی صحنه سالی ویژه بود چرا که او توانست سیمرغ بهترین فیلم اول جشنواره بیست و پنجم را به دست آورد. این جایزه برای این فیلمساز موفق و پرکار دهه ۹۰، یک شروع بود.

در اینجا به چند فیلمساز از سرآمده های دهه ۹۰، می توان اشاره کرد: «سعید روستایی» که پس از تجربه های موفق کوتاهش، با «ابد و یک روز» در جشنواره سی و چهارم حیرت انگیز ظاهر شد و فیلمش ماجرای «پرده آخر» و جشنواره نهم را در کسب سیمرغ ها تا حدودی تکرار کرد. یا «محمدحسین مهدویان» که پس از یک سریال متفاوت تلویزیونی، با «ایستاده در غبار» و کسب جوایز مختلف در فجر به جا آورده شد و مسیرش را ادامه داد.

در این بین البته باید تولد بخش هنر و تجربه در ادوار میانی فجر دهه ۹۰ را هم به عنوان مجالی برای «استخراج طلا» از فیلمسازان نوجو، متفاوت و نوگرا مورد توجه قرار داد.

یکپارچگی معنادار

امسال منوچهر شاهسوار، دست به نوآوری زد و در ادامه تلفیق فیلم اولی ها با سایر آثار جشنواره و حذف بخش نگاه نو، دآوری همه آثار مستند و کوتاه و بلند را یکپارچه کرد. این نگاه، بیش از هر چیز دیگر، ارزش گذاری بر تلاش همه فیلمسازان سینمای ایران است. نگاهی که به ویژه می تواند اعتماد به نفس فیلمسازان جوان تر را ارتقا بدهد. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که تلفیق فیلم های اول با سایر آثار بخش رقابتی، خود نشان دهنده آن است که نسل فیلمسازی در ایران (به دلیل درگذشت بسیاری از فیلمسازان مهم نسل اول، افزایش سن و کم کاری و گزیده کاری سایر فیلمسازان نسل دوم و سوم بعد از انقلاب) در حال تغییر است و به عبارتی دیگر، باید فیلم اولی های این سال های سینمای ایران را که با بنزین سبز تشکلهای حمایتی (همچون شورای صدور پروانه ساخت اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی و تشکلهای فیلم اولی های بنیاد سینمایی فارابی) در حال افزایش کمی هستند، فیلمسازان آینده این سینما و جشنواره قلمداد کرد. هنرمندان جوانی که رویدادی مثل فجر (به دلیل حضور انبوه کارشناسان و مخاطبان) می توان بهترین مکان برای بهره گیری آنها باشد.

- **اکران است که نیازمند کمک هستیم.**
- **ابوالفضل صفری:** باید درباره وصل نبودن به بازار دنیا و کپی رایت و مسائل این چنینی چاره اندیشی کرد و به سمت تجارتی کردن سینما برویم.
- **مجید رستگار:** با تعداد قابل توجهی از فیلم اولی ها کار خود را به فجر رساندیم. شاید از این به بعد با لطفی که جشنواره به ما کرد بیشتر من را ببینند و حرفم را بشنوند ولی مسیر سختی است که باید برای آن تدبیری اندیشیده شود.
- **حسین مهکام:** خواهش من این است که برای فیلمسازان مجالی فراهم شود تا نگاه های ارزشمند از اهمیت نیفتد.
- **بهمن کامیار:** فارابی باید در راستای تنوع ژانر قدم بردارد تا سال آینده حداقل پنج شش ژانر در جشنواره داشته باشیم. درخواست من این است که فارابی به سمت فیلم های لو باجت برود که تنوع ژانر دارند.
- **مهدی مددکار:** امیدوارم حداقل هر سه ماه یکبار جلسات این چنینی برگزار شود. امیدوار بودیم وزارت ارشاد حمایت های بیشتری از جوان ها داشته باشد و بحث اکران فیلم اولی ها بسیار مهم است.



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر- شماره ۱۰
دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴
مدیر مسئول:
منوچهر شاهسواری
سرمدبیر: علی افشار
همکاران تحریریه:
مهسا بهادری، محراب توکلی
پگاه زارعی، محمود اکبری کیا
مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
صفحه آرا: حسین احمدی
علیرضا تاجیک، حسین غیوری
ویراستار: مریم شرافتی
چاپ: نگار نقش
باتشکر از: مسعود نجفی
(مدیر خانه جشنواره)
مدیران روابط عمومی فیلم های
جشنواره فیلم فجر



تصویر امروز



در روزهای آخر جشنواره، تماشاگران برای دیدن فیلم هایی که کامنت های مثبت زیادی در این روزها دریافت کرده اند، در رقابت هستند. پس فردا جشنواره در سینماهای مردمی تهران به پایان می رسد.

سولاف فواخر جی در تهران



اکران ویژه فیلم سینمایی «سرزمین فرشته ها» و آیین خیرمقدم سولاف فواخر جی، بازیگر مطرح جهان عرب و بازیگر این فیلم، صبح امروز ۲۰ بهمن در سالن ۹ پردیس سینمایی ملت (خانه جشنواره) برگزار می شود. این مراسم با حضور اهالی رسانه و مدیران سینمایی و اکران فیلم سینمایی «سرزمین فرشته ها» ساخته جدید بابک خواجه پاشا به تهیه کنندگی منوچهر محمدی برگزار خواهد شد. «سرزمین فرشته ها» محصول مشترک موسسه تصویرشهر و سازمان سینمایی سوره در بخش سودای سیمرغ چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد.

ساری مال با جشنواره ۴۴ کلید خورد

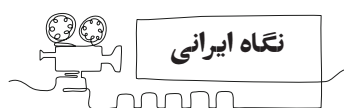


سینما «ساری مال» به عنوان یکی از پیشرفته ترین سینماهای حال حاضر شمال کشور همزمان با اکران فیلم های فجر در مازندران، راه اندازی و اکران آثار سینمایی چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در دو سینمای سپهر و ساری مال ساری همزمان با سایر مراکز استان ها آغاز شد. سینما ساری مال توسط سرمایه گذار بخش خصوصی تأسیس شده و یکی از پیشرفته ترین و به روزترین مجموعه های سینمایی در شمال کشور است. این مجموعه دارای پنج سالن سینمایی مجزا شامل دو سالن ۶۸ نفره و سه سالن ۱۲۱ نفره جمعاً به ظرفیت ۵۰۰ صندلی و اکران ۴۰ فیلم در روز، مجهز به تازه ترین سیستم های صوت و تصویر است، و از سال گذشته تاکنون ۸۵۰ میلیارد ریال بدون استفاده از اعتبارات و تسهیلات دولتی، هزینه شده است.

سانس های ویژه شب نهم



شب گذشته، سالن های صدستون هدیش مال در ساعت ۲۲، سالن کاخ ملل هدیش مال در ساعت ۲۱:۴۵، سالن گراند سینما پردیس کوروش در ساعت ۲۲ و سالن ۱ و ۲ معین مال در ساعت ۲۱:۴۵ فیلم سینمایی «اسکورت» به کارگردانی یوسف حاتمی کیا را به نمایش گذاشتند. مخاطبان در سالن های قرمز و نارنجی شمیران سنتر در ساعت ۲۲ و در سالن ۸ لوتوس مال در ساعت ۲۱:۴۵ و سالن اصلی پردیس آزادی در ساعت ۲۲:۱۵ به تماشای فیلم سینمایی «زنده شور» ساخته کاظمی دانشی نشستند. همچنین سالن ۳ و ۴ پردیس مگامال و سالن ۱ صبا مال در ساعت ۲۲ و سالن ۱ سینما نارسیس در ساعت ۲۲:۱۵ در سانس فوق العاده میزبان تماشاگران فیلم «نیم شب» ساخته محمدحسین مهدویان بودند.



نگاه ایرانی

مرتضی فرشباف به طرز جنون آمیزی احساسات ناب انسانی همچون عشق، خشم، حسادت و رنج را در برداشت های بلند «تومان» به نمایش می کشد. برداشت هایی که در آن علاوه بر مساله زیبایی شناسی اکت بازیگران تبدیل به یک عنصر ویژه در میزانشن می شود. تلاقی این دو عنصر در میزانشن، «تومان» را تبدیل به یک فیلم منحصر به فرد در سینمای ایران کرده است.

۱۱ فیلم در رقابت آرای تماشاگران ماندند



نتیجه آرای فیلم های نمایش داده شده در روز هفتم چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر بر اساس حروف الفبا، روز یکشنبه ۱۹ بهمن توسط ستاد انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر اعلام شد. فیلم های «اسکورت»، «اردو بهشت»، «پل»، «جانشین»، «حاشیه»، «زنده شور»، «کوچ»، «قایق سواری در تهران»، «غوطه ور»، «سرزمین فرشته ها» و «نیم شب»، ۱۱ فیلم از مجموع ۳۱ فیلم حاضر در بخش مسابقه، برگزیده نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر هستند. فهرست فیلم ها بدون اولویت است و انیمیشن «نگهبان خورشید» و فیلم «مولا» در رای گیری مردمی مدنظر قرار نگرفته اند. سایر فیلم ها تا پایان برگزاری چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در فرآیند رای گیری آرای مردمی قرار دارند.

